

«بسمه تعالی»

راز عدد ۴ در ثروتمند شدن

نویسنده:
رضا اسکندری



سرشناسه: اسکندری، رضا، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: راز عدد ۴ در ثروتمند شدن/ نویسنده رضا اسکندری.

مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۰۱ ص.؛ مصور؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۶۴۵-۹-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: موفقیت در کسب و کار

موضوع: Success in business

موضوع: ثروت -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: Wealth -- Psychological aspects

موضوع: امور مالی شخصی -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: Finance, Personal -- Psychological aspects

موضوع: چهار (عدد)

موضوع: Four (The number)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ۲هالف/۵۳۸۶ HF

رده بندی دیویی: ۶۵۰/۱

شماره کارشناسی ملی: ۵۶۱۰۸۹۳



«راز عدد ۴ در ثروتمند شدن»

● نویسنده: رضا اسکندری ● ناشر: انتشارات طاهریان

● نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد ● طرح جلد: آرزو خسروپور

● قیمت: ۶۰/۰۰۰ تومان ● چاپ متن: شهر

● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۶۴۵-۹-۸

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱

تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای

بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین

شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً

عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

تقدیم به

نقطه آرامش افکار و ذهن من که شب‌های بی‌خوابی
مرا پشتوانه بود و وجودش بیانگر معنای امید.
همسر مهربانم

فهرست:

- فصل ۱: اعداد چه رازی دارند؟..... ۹
- فصل ۲: به عدد ۴ بیشتر فکر کنید..... ۱۳
- فصل ۳: دست و پنجه نرم کردن با مشکلات مالی..... ۱۸
- فصل ۴: هوش و انواع آن..... ۲۱
- فصل ۵: ارتباط بین هوش‌ها با فقر و ثروت..... ۲۷
- فصل ۶: هوش مالی..... ۳۳
- فصل ۷: بازی طلایی ثروتمند شدن..... ۳۹
- فصل ۸: روش‌های افزایش هوش مالی..... ۴۵
- فصل ۹: چه کسانی به هوش مالی نیازمندند؟..... ۴۹
- فصل ۱۰: چه رازی در بازی طلایی ثروتمند شدن وجود دارد؟..... ۵۵
- فصل ۱۱: شناخت ماهیت پول (۱)..... ۶۱
- فصل ۱۲: شناخت ماهیت پول (۲)..... ۶۷
- فصل ۱۳: شناخت ماهیت پول (۳)..... ۷۷
- فصل ۱۴: شناخت ماهیت پول (۴)..... ۸۱
- فصل ۱۵: ارزش‌های درونی خود را بشناسید و افزایش دهید..... ۸۹
- فصل ۱۶: ارتباط بین ارزش‌های درونی و بازی طلایی ثروتمند شدن..... ۹۵

مقدمه

وقتی نوجوان بودم در مورد عدد ۷ و رابطه آن با بعضی چیزها، حرف هایی شنیده بودم. خیلی از مواقع به آن فکر می کردم و اینکه این عدد چرا اینقدر مهم است. اولین باری که در رابطه با آن شنیدم خیلی به نظرم جالب آمد. در مورد اعداد دیگر هم شنیده بودم مثل ۴۰. که اگر کاری را چهل روز مداوم و پشت سرهم انجام دهی حتماً به خواسته ات می رسی و در آن موفق خواهی شد.

هر چه سنم بیشتر می شد کمتر به این موضوعات فکر می کردم تا اینکه بزرگتر شده و به دانشگاه رفتم و بعد مثل بقیه مردم شروع زندگی و فراموشی خیلی از مسائل دوران کودکی و نوجوانی، تا اینکه با یک سری مسائل جدید روبرو شدم مثل امرار معاش روزانه و مشکلات مالی در زندگی.

هر چه بیشتر تلاش می کردم، کمتر نتیجه می گرفتم این بود که موضوع پول برایم خیلی مهم شد و اینکه چرا اینقدر مشکلات مالی در زندگی من تأثیرگذار باشد. با اینکه جوان فعالی بودم ولی در کل به نتیجه خوبی نمی رسیدم.

یک روز که داشتم با مسائل و مشکلات مالی کلنجار می رفتم جرقه ای در ذهنم خورد. با خود گفتم بین پول و اعداد هم می تواند رازی باشد. بعد از چندین سال مطالعه بالاخره ارتباط بین عدد ۴ و ثروتمند شدن برایم روشن شد.

با روشن شدن این مطلب فوق‌العاده خوشحال شدم و با دوست عزیزم آقای طاهریان «که ایشان در تهران انتشارات داشتند» تماس گرفتم و موضوع را با ایشان در میان گذاشتم. با راهنمایی دوستم به این نتیجه رسیدم که راز عدد ۴ در ثروتمند شدن را به رشتهٔ تحریر درآورم تا در اختیار همه قرار گیرد.

تمام سعی من در این کتاب آسان‌نویسی است تا هر شخصی که سواد خواندن و نوشتن داشته باشد با خواندن آن بتواند مطالب آن را درک کند و از آن در زندگی خود استفاده کند. به امید روزی که فقر در همهٔ جوامع ریشه کن شود.

اسم این کتاب راز عدد ۴ در ثروتمند شدن است. قبل از اینکه شروع به مطالعهٔ این کتاب بنمایید حتماً به چند نکته توجه داشته باشید.

۱. من باور ندارم که ثروتمندان از فقرا بهتر هستند، فقط طرز فکر آنهاست که آنها را پولدارتر کرده. من مایلم تا آنجا که امکان دارد فرق بین آدم‌های ثروتمند و فقیر را تمیز دهید.

۲. وقتی دربارهٔ پولدارها، متوسط‌ها و فقرا صحبت می‌کنم آنچه که مورد اشارهٔ من است، ذهنیت آنها می‌باشد. اینکه چطور هر دستهٔ متفاوت از دستهٔ دیگر فکر می‌کنند و منظور من اصلاً مقدار پولی که به دست می‌آورند و یا ارزش آنها در جامعه نیست.

۳. تمام حرف‌های من کلی گویی است. من می‌دانم که عده‌ای از ثروتمندان و یا فقرا آنگونه که من توصیف می‌کنم ممکن است نباشند. همانطور که قبلاً نیز اشاره کردم هدف من اینست که شما هر مفهومی را درست درک کنید و به کار ببندید.

۴. بیشتر این کتاب از کلمه ثروتمندان و فقرا استفاده شده است و کمتر از افراد طبقه متوسط گفته می‌شود. زیرا طبقه متوسط طرز فکری آمیخته از افراد ثروتمند و فقیر را دارند. هدف من این است که شما بیشتر نوع تفکر افراد ثروتمند را فرا بگیرید.

امیدوارم با نوشتن این کتاب توانسته باشم کمکی هرچند ناچیز برای همه کسانی باشم که با سعی و کوشش فراوان در راه تأمین معاش زندگی خود تلاش می‌کنند و مجبورند برای ادامه زندگی هیچگاه خسته نشوند و دست از تلاش برندارند و امید دارم بعد از خواندن این مطالب راه خود را پیدا کنند و همچنین کمک بیشتری به هموعان خود نمایند. و به امید روزی که همه ما بتوانیم از نعمت‌هایی که خداوند در وجود همه انسان‌های روی زمین قرار داده است، که سرآمد همه آنها مغز می‌باشد استفاده درست کنیم.

در آخر از همه شمایی که این کتاب را مطالعه می‌کنید تقاضا دارم که با تمام وجود و از صمیم قلب بخواهید که ثروتمند شوید.

«موفق باشید»

رضا اسکندری

فصل ۱

اعداد چه رازی دارند؟

سال‌ها پیش وقتی که در مدرسه درس می‌خواندم معلم درس ادبیات در رابطه با هفت خوان رستم صحبت به میان آورد (رستم قهرمان افسانه‌ای کتاب شاهنامه فردوسی است) از آنجاییکه زادگاه من روستایی بود در نزدیکی شهر توس و در مشهد زندگی می‌کردم، می‌دانستم آرانگاه فردوسی این شاعر بزرگ، در شهر توس واقع شده، علاقمند به شعرهای فردوسی و کتاب شاهنامه شدم.

در آن زمان من نوجوانی ۱۲ ساله بودم که شعرهای فردوسی را فقط می‌توانستم در کتاب‌های درسی خود پیدا کنم و مطالعه کنم. به دلیل اینکه بیشتر از چند شعر در کتاب ادبیات فارسی ما از شاهنامه نبود از دو خواهر بزرگ‌ترم کمک می‌گرفتم و کتاب‌های آنها را که در کلاس بالاتری از من قرار داشتند، برای خواندن اشعار فردوسی زیر و رو می‌کردم و از این کار لذت می‌بردم تا اینکه روزی معلم در کلاس درس گفت: «می‌توانید برای داشتن اشعار کامل، کتاب شاهنامه را خریداری کنید.» من آنروز با خوشحالی تمام به خانه آمدم و از مادرم خواستم که این کتاب را برای من بخرد. یادم می‌آید که مادرم در جواب به من گفت: «من پولی برای خرید شاهنامه ندارم.» اینجا بود که من به عنوان یک

نوجوان برای اولین بار احساس کردم که پول در زندگی انسان‌ها نقش مهمی می‌تواند داشته باشد. تا آن زمان هیچ موقع به این موضوع حتی فکر هم نکرده بودم.

یکی از وظایف من در خانه خرید نان بود که این کار را برای خانواده انجام می‌دادم.

همیشه مبلغی پول سکه یا یک برگ اسکناس به من می‌دادند و می‌گفتند برو نانوايي نان بخر و می‌گفتند بقیه پول را گم نکنی. من هیچ درکی نسبت به پول نداشتم ولی روزی که مادرم برای اولین بار برای خرید شاهنامه گفت: «پول ندارم!» تا حدودی درک کردم که معنی پول چیست. در دنیای کودکانه خود دانستم اگر پول نداشته باشی نمی‌توانی چیزی بخری.

گفتن جمله پول ندارم مادرم نتوانست مرا قانع کند پافشاری کودکانه‌ای از خود بروز دادم که باید حتماً کتاب شاهنامه را برایم بخرید. مادرم در جواب من گفت: «که این موضوع را با پدرت در میان می‌گذارم.»

آن سال‌ها در خانواده ما پدرسالاری حاکم بود و ما بچه‌ها مستقیم نمی‌توانستیم چیزی از پدر بخواهیم و باید از طریق واسطه مادر و یا مادر بزرگ به خواسته خود می‌رسیدیم. بالاخره چند روزی گذشت و من دوباره از مادرم در مورد خرید کتاب سوال کردم. متأسفانه در کمال ناباوری او در جواب من گفت: «که به پدرت گفتم ولی هیچ جوابی نداده است.» من خیلی ناراحت شدم و دوباره اسرار کردم که هر طور شده باید برای من کتاب شاهنامه خریداری شود.

چند روز بعد موضوع را به مادر بزرگم که با ما زندگی می‌کرد گفتم و از او خواستم تا از پدرم بخواهد و او قبول کرد. روز بعد از مادر بزرگ پرسیدم پس این شاهنامه چه شد؟ او در جوابم گفت: «بابا گفته به این بچه بگو که الان پولی برای خرید کتابی اضافه‌تر از کتاب و دفترهای مدرسه بچه‌ها ندارم.» خیلی غمگین شدم و همیشه در همان دوران آرزوی خرید این کتاب را داشتم که متأسفانه باید بگویم به دلیل بی‌پولی پدرم این آرزو به دل من باقی ماند.

با اینکه در این زمینه با شکست روبرو شدم ولی یک سری از اسرار زندگی برای من که تازه نوجوان شده بودم روشن شده بود و آن هم این بود که ما هر زمان هر چه بخواهیم نمی‌توانیم به آن دسترسی داشته باشیم. این موضوع برایم خیلی ناراحت‌کننده بود و واقعاً نمی‌دانستم چه راه حلی برایش پیدا کنم.

روزی در کلاس درس تعلیمات دینی بودم که معلم در رابطه با طواف خانه خدا صحبت می‌کرد که حاجیان بایستی برای طواف هفت بار گِرد کعبه بچرخند. یکبار دیگر عدد ۷ برای من جلب توجه کرد. قبلاً هم شنیده بودم عجایب دنیا ۷ تاست و یا ایام هفته ۷ روز است. یا اینکه هفت طبقه آسمان و هفت طبقه زمین داریم و همچنین شنیده بودم که عدد ۷ در بعضی ادیان اهمیت خاصی دارد. واقعاً خیلی دوست داشتم بدانم چه رازی در این عدد نهفته است.

اکنون که سال ۱۳۹۵ هـ ش است و من ۴۴ سال سن دارم هنوز برایم جالب است که بدانم این راز چیست؟ شاید اشخاصی در دنیا باشند که نسبت به این موضوع مطالعاتی کرده و یا در حال مطالعه هستند. با توجه به صحبت‌هایی که مطرح کردم شاید با خود فکر کنید که موضوع کتاب در رابطه با اعداد است. در اصل موضوع کتاب در رابطه با ثروتمند شدن و شناخت ماهیت پول است. ولی قبل از اینکه به این موضوع بپردازم بایستی کمی در رابطه با عدد ۴ و رازی که این عدد در ثروتمند شدن دارد با شما خواننده گرامی صحبت کنم.

فصل ۲

به عدد ۴ بیشتر فکر کنید

در کشور ما ایران مردم آئین و رسومات جالبی دارند. یکی از این رسومات، روز طبیعت است که روز ۱۳ فروردین هر سال برگزار می‌شود. در این روز در کل کشور ایران مردم برای روز طبیعت از منزل خارج می‌شوند و به بیرون از شهر و به محیط طبیعت می‌روند و این روز را که تعطیل رسمی می‌باشد در دامان طبیعت سپری می‌کنند. همیشه سیزدهم فروردین برای من هم مثل دیگران خیلی جالب و دوست داشتنی بوده است. خانواده من نیز هر سال در این روز به بیرون شهر می‌رفتند.

بزرگ‌ترها با هم صحبت می‌کردند و ما بچه‌ها نیز با یکدیگر بازی می‌کردیم. در کل، روز فوق‌العاده خوبی است.

در یکی از این سال‌ها یعنی سال ۱۳۷۲ که من دانشجوی رشته برق الکترونیک در شهری دیگر بودم، برای تعطیلات اول سال به مشهد آمده بودم و روز سیزده فروردین به همراه خانواده‌ام و چند خانواده دیگر از اقوام به بیرون از شهر رفته بودیم.

هنگام غروب آفتاب بود که کم‌کم برای برگشتن به خانه آماده می‌شدیم. وقتی که به ماشین نزدیک شدیم، دیدیم یکی از چرخ‌های ماشین ما پنچر

شده. پدرم گفت بایستی چرخ ماشین را عوض کنیم. متأسفانه وقتی صندوق عقب ماشین را باز کردیم در کمال تعجب متوجه شدیم که لاستیک زاپاس هم کم باد است.

برای من که تازه در اوایل سن جوانی بودم، تا آن زمان مشکلاتی اینچنین پیش نیامده بود. آنروز غروب سختی را گذراندم چون با ماشین یکی دیگر از دوستان و به سختی به شهر آمدم و پدرم لاستیک‌ها را آورد و روز بعد رفته بود و ماشین را به مشهد آورده بود. آن سال تعطیلات خوبی را پشت سر گذاشتم چون فردای آن روز باید به دانشگاه برمی‌گشتم و ایرادی که برای ماشین درست شده بود باعث شد، شب دیروقت به منزل برسیم و این خستگی من را چند برابر کرده بود.

روز چهاردهم فروردین شد و من باید با اتوبوس به شهر سبزوار که دانشگاه من در آنجا بود می‌رفتم.

روی صندلی که نشستم تصمیم گرفتم کمی بخوابم تا خستگی‌ام برطرف شود. چشمانم را بستم یاد ماجرای دیروز افتادم و به این فکر کردم که ای کاش می‌شد که ما هم ماشین بهتری داشتیم که حداقل ۴ حلقه لاستیک آن نو باشد که روز به این خوبی را خراب نکند. کمی که فکر کردم دیدم برای داشتن ماشین بهتر نیاز به پول بیشتر است. ناخودآگاه یاد دوران مدرسه و سن ۱۲ سالگی‌ام افتادم که برای خرید کتاب شاهنامه هم بی‌پولی را تجربه کرده بودم و از آن موضوع خیلی ناراحت شده بودم. در افکار خودم بودم که به شهر نیشابور رسیدیم و اتوبوس از آنجا عبور کرد. من همچنان به خاطرات دیروز و همچنین به خرابی

ماشین فکر می‌کردم که چون یک لاستیک نداشت در راه مانده بودیم. این بود که یاد عدد ۷ در شاهنامه افتادم و حالا عدد ۴ در ماشین واقعاً برایم جالب بود. با خودم گفتم اگر عدد ۷ رازی دارد و من آن را نمی‌دانم حداقل راز عدد ۴ را فهمیدم و آن این است که اگر ماشین یک لاستیک نداشته باشد نمی‌تواند حرکت کند. به فکر هوشمندانه خودم خنده‌ام گرفت و از این افکار خارج شدم.

چند سال بعد روزی در خیابان در حال قدم زدن بودم، ناخودآگاه نظرم به ماشین‌ها و ۴ لاستیک آنها جلب شد. دیدم تمامی ماشین‌های سواری بر روی ۴ لاستیک در حال حرکت هستند. کمی بیشتر به این عدد فکر کردم و دیدم که دوچرخه‌های نیز دو چرخ دارند و دو رکاب. بیشتر متمرکز شدم و دیدم پرندگان هم ۲ پا دارند و ۲ بال، حیوانات بر روی ۴ دست و پای خود حرکت می‌کنند. برایم خیلی جالب شد. هر چه بیشتر به این عدد فکر می‌کردم بیشتر وجود آن را در اطرافم حس می‌کردم. مثلاً ۴ فصل سال، صندلی، چهارپایه، میز و کمد لباس همه بر ۴ پایه استوار است.

اگر کمی بیشتر به عدد ۴ فکر کنیم می‌بینیم که برایمان تعادل درست می‌کند.

اگر ماشین یک چرخ نداشته باشد نمی‌تواند حرکت کند. اگر صندلی یک پایه نداشته باشد نمی‌توان روی آن نشست. اگر چهارپایان هم یک پای خود را از دست بدهند از حالت تعادل خارج می‌شوند.

بعد از اینکه متوجه شدم وجود عدد ۴ می‌تواند در اجسام، پرندگان، جانوران و وسایل نقلیه و غیره تعادل ایجاد می‌کند این عدد برایم